

دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی ادغام روستاها در مناطق زلزله‌زده رودبار و منجیل

محمد مهدی رحمتی *

چکیده

مقاله حاضر نتیجه پژوهشی است که در مورد پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جابه‌جایی و ادغام روستاها در منطقه زلزله‌زده رودبار و منجیل انجام شده است. پس از وقوع زلزله مذکور، در خرداد ماه ۱۳۶۹ و در جریان بازسازی مناطق آسیب‌دیده از زلزله، حدود ۱۷۰ روستا جابه‌جا شدند. از این تعداد ۴۶ روستا افزون بر جابه‌جایی در معرض ادغام با روستا(های) دیگر قرار گرفتند. مطالعه حاضر با نگاهی به رویکردهای نظری موجود در مورد موضوع پژوهش تلاش کرده است تا در چهارچوب استراتژی معطوف به توسعه به بررسی دگرگونی‌ها و پیامدهای ادغام روستاها در منطقه زلزله‌زده رودبار و منجیل بپردازد. شیوه انجام دادن این مطالعه کیفی بوده و داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از چند روش، شامل داده‌های اسنادی، پرسشنامه، مصاحبه عمیق و مشاهده میدانی، گردآوری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جابه‌جایی و ادغام روستاها از نظر فیزیکی سبب افزایش توانایی روستاهای مذکور در برابر آسیب‌های طبیعی اجتماعی و برخورداری آنان از برخی امکانات زیربنایی شده است. اما، در کنار آن، جابه‌جایی و ادغام دگرگونی‌هایی را رقم زده که از نظر اجتماعی و اقتصادی، حداقل در کوتاه‌مدت، آسیب‌پذیری‌هایی را برای ساکنان این روستاها به وجود آورده است.

واژگان کلیدی: جابه‌جایی، ادغام، پیامد، حوادث طبیعی، توسعه روستایی.

مقدمه

در پی وقوع زلزله جانگداز ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ در منطقه رودبار و منجیل که در جریان آن سه شهر لوشان، رودبار و منجیل تقریباً با خاک یکسان شدند و به منطقه وسیعی شامل ۱۶۰۰ روستا آسیب‌های عمده‌ای وارد گردید، گروه‌ها و سازمان‌های مختلفی با هدف کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان این حادثه ویرانگر عازم مناطق زلزله‌زده شدند. به دنبال آغاز عملیات گروه‌های امداد و پس از فعالیت ستادهای معین بازسازی^۱ در مناطق زلزله‌زده حدود ۱۷۰ روستا به دلایلی نظیر تسهیل در امر بازسازی و خدمات‌رسانی بهتر به آن‌ها به تشخیص کارشناسان فنی و دولتی مبنی بر رانشی بودن (ناپایداری) زمین محل استقرار و بی‌اعتبار بودن محدوده روستا برای ساخت و ساز و غیره، در معرض جابجایی مکانی و بعضاً ادغام قرار گرفتند. در مواردی که جابجایی‌ها در محدوده مناطق مسکونی سابق روستاها رخ داد تغییر عمده‌ای در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فضای کالبدی روستاها ایجاد نگردید. اما، در مواردی که این جابجایی‌ها با ادغام توأم گردید مجموعه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان را درگون نمود.

مسئله تحقیق

یکی از موضوعات مورد بحث در کشورهای در حال توسعه پدیده جابه‌جایی مکانی روستاها و گاه ادغام روستاها با یکدیگر است. بررسی پدیده جابه‌جایی و ادغام روستاها در کشورهای در حال توسعه نشانگر این است که پدیده مذکور عمدتاً به یک یا چند دلیل ذیل انجام می‌شود:

۱- رویارویی با حوادث طبیعی: در برخی از مناطق روستایی پیوسته خطر وقوع حوادث و موانع طبیعی نظیر سیل، زلزله، طوفان، ریزش کوه، فوران آتشفشان و مانند آن وجود دارد و لزوم جابه‌جایی مکانی جمعیت و استقرار انسان‌ها در فضای جغرافیایی دیگری که فاقد عوارض زیان‌بار مذکور باشد مطرح است.

۲- اجرای برنامه‌های توسعه روستایی: در برخی از کشورها اجرای برنامه‌های توسعه ملی-منطقه‌ای در سطح روستایی ضرورت جابه‌جایی مکانی جمعیت و در مواردی ادغام روستاها را مورد نظر قرار می‌دهد. در این گونه موارد دولت‌ها با اتخاذ رویکردهای مختلف و اجرای طرح‌های اسکان مجدد در جهت ادغام روستاهای کم‌جمعیت و تجمیع آنان اقدام می‌کنند. تأسیس دهکده‌های عجم^۲ در تانزانیا نمونه بارزی از اجرای این برنامه‌هاست.

۱. مسئولیت بازسازی مناطق آسیب‌دیده رودبار و منجیل به بنیاد مسکن انقلاب اسلامی محول گردید. نیروهای بنیاد مسکن متشکل از کارکنان بنیاد مسکن استان‌های مختلف کشور در قالب ۱۷ ستاد معین بازسازی در سراسر مناطق زلزله‌زده مستقر گردیدند. مرکز ستاد در شهر رشت مستقر بود.

۳- دلایل سیاسی-امنیتی: گاه رژیم‌های سیاسی برای جلوگیری از تحرکات قومی و کنترل جمعیت و نظارت بیشتر بر مناطق مرزی خویش تدابیری را در مورد انتقال و جابه‌جایی جمعیت‌های پراکنده اتخاذ می‌کنند. به عنوان مثال، تایلند برای برقراری امنیت در نقاط مرزی خود و مناطقی که در معرض ناامنی‌هایی مانند هجوم پناهندگان، قاچاق و دادوستدهای غیرقانونی قرار دارند، مبادرت به تدوین طرحی برای تخلیه روستاهای مرزی خویش کرد (وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۶۸، ۴-۴۳).

پیش از وقوع انقلاب اسلامی و در جریان اجرای مراحل مختلف برنامه‌های اصلاحات ارضی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ بحث‌هایی در مورد ضرورت بازنگری در برنامه‌ریزی مکانی جمعیت روستایی کشور مطرح گردید. دیدگاه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران وقت بر این مبنای قرار داشت که تجمیع و ادغام روستاهای کم‌جمعیت و شکل بخشیدن به روستا-شهرها می‌تواند شرایط مناسبی برای خدمات‌رسانی و ارائه امکانات بهتر به جمعیت روستایی بیشتری را فراهم نماید. این رویکرد در برنامه عمرانی ششم مورد توجه قرار گرفت، لیکن با وقوع انقلاب اسلامی و به دنبال آن دگرگونی سیاست‌های ملی و آغاز خط‌مشی‌های جدید، طرح‌ها و برنامه‌های پیشین نیز به دست فراموشی سپرده شد.

پس از وقوع زلزله رودبار و منجیل در ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۹، بحث‌هایی در مورد جابه‌جایی و ادغام روستاها در میان دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران عمران و توسعه روستایی در گرفت. تقریباً در فاصله زمانی کوتاهی پس از آن در وزارت جهاد سازندگی وقت طرح تجمیع روستاهای کم‌جمعیت با استدلال ارائه خدمات بیشتر و بهتر مطرح شد. محور توجه دست‌اندرکاران آسیب‌پذیری روستاهای کشور در برابر حوادث گوناگون طبیعی مانند زلزله، سیل، لغزش زمین^۱، ریزش کوه، آب‌گونی یا روانگرایی^۲، طوفان و مانند آن، و ضرورت در پیش گرفتن تمهیدات مناسب برای جلوگیری یا کاهش زیان‌های جانی و مالی و نیز مکان‌یابی و اسکان بهینه جمعیت بود.

دیدگاه‌های نظری

در ادبیات جامعه‌شناسی روستایی دو دیدگاه و یک استراتژی درباره جابه‌جایی مکانی و ادغام روستاها وجود دارد. با توجه به رویکردهای موجود به موضوع پژوهش سه جنبه مورد توجه در دیدگاه‌ها و استراتژی معطوف به جابه‌جایی و ادغام عبارتند از دیدگاه موافق، دیدگاه مخالف و استراتژی معطوف به توسعه که می‌توان آن را تلفیقی از دو دیدگاه موافق و مخالف در نظر گرفت.

1. land slide

2. liquefaction

دیدگاه موافق

استدلال برخی از تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران منطقه‌ای و ملی در موافقت با جابه‌جایی و ادغام روستاها ناظر بر این امر است که پراکنش روستاها در نقاط متعدد سرزمین مانعی عمده در جهت توسعه روستایی به شمار می‌آید و با تمرکز واحدهای خدماتی در نقاط روستایی می‌توان به میزان کارایی آن‌ها افزود و شرایط زندگی مردمان با تمرکز مکانی و فضایی خدمات مطلوب‌تر خواهد شد (رحمتی، ۱۳۷۴: ۴۶). از دیگر سو، به نظر برخی از کارشناسان زمین‌شناسی و متخصصان فنی و مهندسی با توجه به این که محل استقرار روستاهای کشور در برخی مناطق فاقد ایمنی لازم در مقابل حوادث طبیعی است، ضرورت مکان‌یابی مجدد و مناسب برای استقرار این قبیل روستاها اجتناب‌ناپذیر می‌نماید (همان: ۵۱). برآیند این دو استدلال را می‌توان در متن برنامه عمرانی ششم کشور ملاحظه کرد که هدف آن دستیابی به چهارچوب مشخصی برای یکپارچه ساختن فعالیت‌های عمرانی و برخورداری حداکثر جمعیت از خدمات در جامعه روستایی کشور ذکر شده بود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۶). در این برنامه ضوابط و شرایطی برای انتخاب مراکز دهستان از میان شهرهای کوچک و یا روستاهای مرکزی تحت عنوان «روستا-شهر» تعیین شده تا وظیفه خدمات‌رسانی به نقاط روستایی را بر عهده گیرند. پایین‌ترین سطح خدمات‌رسانی روستا-شهرها روستاهای ساده‌ای ذکر شده است که دارای جمعیتی بین ۲۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر هستند (سازمان برنامه، ۱۳۵۶: ۱۰۳) که این امر به گونه‌ای ضمنی اشاره به ادغام روستاهای کم‌جمعیت در روستاهای بزرگ‌تر و نهایتاً شکل‌گیری روستا-شهرها دارد.

دیدگاه مخالف

گروهی از اندیشمندان به‌ویژه در حوزه علوم انسانی و اجتماعی با اشاره به پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جابه‌جایی و ادغام روستاها بر این باورند که تا حد امکان باید تلاش در حفظ روستاها در مکان‌های اصلی خود نمود. به اعتقاد این صاحب‌نظران، روستا تنها یک فضای فیزیکی نیست که به سادگی بتوان آن را از جایی به جای دیگر منتقل کرد. هر روستا دارای هویتی مستقل است و زندگی و روابط ذهنی آن بسیار غنی و پیچیده است. به زعم برخی از این اندیشمندان جابه‌جایی و ادغام روستاها سبب گسستگی در وحدت و پیوستگی مردم (میسرا، ۱۳۵۳: ۲۸-۲۹) و زوال حافظه جمعی و احساس هویت می‌گردد (نراقی، ۱۳۶۵: ۳۶-۳۵). برخی دیگر توزیع متعادل جمعیت در عرصه سرزمین را سبب گسترش آبادانی دانسته و متمرکز ساختن جمعیت را در نقاطی خاص در تعارض با امنیت سیاسی و اقتصادی کشور تلقی می‌کنند (شهبازی، ۱۳۷۱: ۱). افزون بر این‌ها، ادغام روستاها پدیده‌ای تلقی می‌شود که ریشه در عدم

شناخت سیاست‌گذاران، عدم بهره‌گیری از حضور فعال پژوهشگران توسعه روستایی و نیز عدم بهره‌گیری از مشورت و مشارکت فکری روستاییان دارد (شهبازی، ۱۳۷۲: ۶۵). سرانجام این که برخی از پژوهشگران علوم اجتماعی که به‌طور مشخص به جابه‌جایی انسان‌ها و ادغام مجموعه‌ای زیستی در هنگام بازسازی مناطق آسیب‌دیده از حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله اشاره کرده‌اند، بر این باورند که جابه‌جایی انسان‌ها می‌تواند منجر به طولانی شدن بحران حاصل از وقوع فاجعه‌ای طبیعی شود (شادی‌طلب، ۱۳۷۳: ۲۰) و سبب بروز عوارضی مانند تحلیل ذخیره‌های اقتصادی و اجتماعی و وابستگی به کمک‌های خارجی و غیره گردد که درازمدت دست کمی از عوارض نخستین فاجعه‌ها ندارند (دوسوزا و دیگران، ۱۳۶۸: ۲).

استراتژی معطوف به توسعه

از جمله رهیافت‌های عمده در مورد توسعه روستایی رهیافت دگرگون‌ساز^۱ است. در این رهیافت، دو استراتژی مهم وجود دارد که یکی اصلاحات ارضی و دیگری طرح‌های اسکان^۲ است. طرح‌های اسکان دارای دو ویژگی تمرکز جغرافیایی جمعیت و برنامه‌ریزی و کنترل است. به دلایل مختلف، از جمله دلایل انسان‌دوستانه، سیاسی، اقتصادی، افزایش جمعیت، فرسایش خاک، کمبود زمین و آب، جلوگیری از هجوم تحصیل‌کرده‌های روستایی به شهرها و استفاده بهتر از سطح زیر کشت، گروه‌بندی مجدد جمعیت برای استفاده بهتر از امکانات کشاورزی اجتناب‌ناپذیر می‌شود. اغلب طرح‌های اسکان از طریق مداخله مستقیم دولت سازمان‌یافته و طرح‌هایی که در سطح محلی ابداع شده باشد بسیار محدود است (ازکیا، ۱۳۷۰: ۱۵۵-۱۵۴). در این استراتژی هدف از جابه‌جایی و اسکان مجدد جمعیت‌های روستایی بهبود وضعیت فعلی جمعیت تحت پوشش طرح و ارتقای زندگی آنان به سطحی قابل قبول‌تر در چهارچوب توسعه منطقه‌ای و ملی است. در بسیاری از تجربه‌های جهانی مکان‌یابی در حوزه روستایی بیشتر به ایجاد سکونت‌گاه‌های جدید در برنامه تجدید اسکان و جابه‌جایی روستاییان از منطقه‌ای به منطقه دیگر مربوط می‌گردد که ناشی از اجرای پروژه‌های وسیع از قبیل احداث سدها و ایجاد مخازن بزرگ آبی و غیره است (مشیری، ۱۳۷۰: ۵۴). پروژه‌های بسیاری در چهارچوب اقدامات بانک جهانی در کشورهای مختلف برای اسکان مجدد جمعیت‌های روستایی انجام شده است و میزان جمعیت جابه‌جا شده در هر پروژه از ۲۰۰ نفر تا بیش از ۱۰۰ هزار نفر را دربرگرفته است. براساس برآوردهای انجام شده، تنها در فاصله زمانی یک دهه از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ حدود یک میلیون نفر جمعیت روستایی به دلیل اجرای پروژه‌های برق‌رسانی، سدسازی و سایر پروژه‌های

1. transformation approach

2. resettlement projects

عمرانی جابه‌جا و تجدید اسکان شده‌اند (بانک جهانی، ۱۹۹۱). اصل موضوعه این استراتژی این است که پروژه‌های توسعه که در آن مبادرت به جابجایی مردمان به‌ویژه به صورت اجباری می‌شود، معمولاً مشکلات اقتصادی، اجتماعی و محیطی شدیدی را به بار می‌آورند. زیرا نظام‌های تولید در معرض تهاجم قرار می‌گیرند، دارایی‌ها و منابع تولیدی و درآمدزا از دست می‌روند، انسان‌ها در محیطی تازه اسکان می‌یابند که امکان استفاده از مهارت‌ها و قابلیت‌های تولیدشان کاهش می‌یابد و از طرف دیگر رقابت برای دستیابی به منابع بیشتر می‌شود. ساختار محلی شبکه‌های روابط اجتماعی تضعیف می‌شوند، گروه‌های خویشاوندی پراکنده می‌شوند و نهایتاً اینکه هویت فرهنگی، اقتدار سنتی و قابلیت همکاری‌های متقابل از میان می‌رود. در صورت عدم اتخاذ اقدامات مناسب و برنامه‌ریزی صحیح جابه‌جایی اجباری ممکن است سبب وارد شدن فشارهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی شدیدی بر انسان‌های درگیر طرح شود (بانک جهانی، ۱۹۹۰: ۲-۱).

در این پروژه‌ها تأکید بر این است که جمعیت جابه‌جا شده پس از اجرای طرح و تجدید اسکان در محل جدید استقرار دارای شرایط مناسب‌تری از محل سابق خود باشند و حداقل استانداردهای زندگی پیشین خود را به دست آورند. از طرف دیگر، در ادغام شرایط به‌گونه‌ای در نظر گرفته می‌شود که جامعه میهمان از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با جامعه میزبان سازگاری داشته باشد. در واقع استراتژی اخیر تأکید بر حفظ موجودیت فعلی روستاها و مکان‌های جمعیتی دارد و تنها در صورت تضمین حفظ استانداردهای مورد نظر و رعایت معیارهای مناسب، اجرای پروژه‌های اسکان مجدد و جابه‌جایی و ادغام جمعیت‌های روستایی مجاز شمرده می‌شوند.

هدف مطالعه

در نقاط مختلف کشور پهناور ما روستاهای بسیاری به صورت پراکنده وجود دارند و این پراکندگی نقاط روستایی از یک سو و بالا بودن میزان آسیب‌پذیری آن‌ها در برابر حوادث گوناگون طبیعی از دیگر سو، مستلزم در پیش گرفتن سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ویژه‌ای برای ساماندهی مناطق روستایی مورد نظر است. توجه تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان کشور به نتایج و دستاوردهای چنین پژوهش‌هایی می‌تواند از بروز مشکلات احتمالی جلوگیری به عمل آورد. منظور از انجام دادن این قبیل پژوهش‌ها صرفاً برطرف ساختن معضلات جامعه روستایی نیست، بلکه هدف اصلی ارائه سیمایی نسبتاً جامع و در عین حال واقعی از جابه‌جایی و ادغام روستاها، به‌ویژه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن، می‌باشد تا از نتایج آن برای برنامه‌ریزی و

سیاست‌گذاری‌های آتی استفاده شود.

در انجام دادن این مطالعه، باتوجه به اهمیت مسئله جابه‌جایی و ادغام روستاها و صرف نظر از هرگونه پیشنهادی سعی شده به بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای جابه‌جایی و ادغام روستاها در مناطق آسیب‌دیده زلزله رودبار و منجیل پرداخته شود تا در نهایت بتوان با پی‌گیری و انجام دادن چنین مطالعاتی امکان دستیابی به راهبردهای مشخصی درباره این موضوع مهم فراهم گردد.

روش پژوهش و شیوه گردآوری داده‌ها

در این مطالعه به دلیل حجم گسترده واحدهای مورد مطالعه و پراکندگی جغرافیایی آن‌ها که برای مطالعه مستلزم نیروی انسانی متخصص و زمان فراوان بود، پژوهشگر ملزم به استفاده از روش مطالعه پنهانگر^۱ برای بررسی گردید. مزیت عمده این روش گستردگی میدان مطالعه و فراگیری نتایج آن بود. همچنین، انتخاب این روش برای پوشش اطلاعات از نظر حجم و سطح واحدهای مورد نظر و قابلیت تعمیم نتایج منطقی می‌نماید.

پس از شناسایی جامعه آماری مورد مطالعه، مبادرت به تهیه پرسشنامه گردید. این پرسشنامه طی دو مرحله در روستاهای جابه‌جا و ادغام شده مورد آزمون مقدماتی^۲ قرار گرفت و سپس به صورت نهایی درآمد. باتوجه به اینکه تکمیل پرسشنامه به تنهایی ابزاری کافی برای گردآوری اطلاعات تشخیص داده نشد، از طریق مشاهده میدانی^۳، مصاحبه‌های عمیق^۴ موردی و گروهی با روستاییان و بررسی اسناد و مدارک موجود در بایگانی بنیاد مسکن سعی در گردآوری اطلاعات مورد نیاز گردید. باتوجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه و نیاز به شناخت دقیق مسائل مربوط به آن، برای تحلیل اطلاعات از روش کیفی استفاده شده است.

جامعه آماری مورد مطالعه

جامعه آماری در این تحقیق شامل ۴۶ روستا است که در جریان زلزله ۳۱ خرداد ۱۳۶۹ تخریب و یا متحمل خسارت گردیدند و در طی دوره‌های اسکان موقت ساماندهی و اسکان دائم (بازسازی) در معرض جابه‌جایی و ادغام با یکدیگر قرار گرفتند.

محدوده جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه در دو استان گیلان و زنجان است که به ترتیب ۳۲ روستا (۶۹/۶) در استان گیلان و ۱۴ روستا (۳۰/۴ درصد) در استان زنجان واقع شده‌اند.

1. extensive

2. pretest

3. field observation

4. in - depth interview

شناسایی روستاهای جامعه آماری از طریق بررسی اسناد و مدارک موجود در بایگانی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و گزارش‌های پژوهشی صورت گرفت.^۱ در جداول (۱) و (۲) مشخصات مربوط به روستاهای جابه‌جا و ادغام شده درج شده است.

جدول ۱- روستاهای جابه‌جا شده و ادغام شده در مناطق زلزله زده استان زنجان *

ردیف	نام روستا	دهستان	بخش	شهرستان	نام فعلی مجموعه‌ی ادغام شده
۱	آب‌بر	آب‌بر	طارم علیا	زنجان	شهرک شهید مطهری
۲	بالکلور	آب‌بر	طارم علیا	زنجان	شهرک شهید مطهری
۳	جمال‌آباد	آب‌بر	طارم علیا	زنجان	شهرک شهید مطهری
۴	جورکی	گیلوان	طارم علیا	زنجان	فاقد نام
۵	وخمان	گیلوان	طارم علیا	زنجان	فاقد نام
۶	بن‌زهره	نیارک	طارم سفلی	زنجان	فاقد نام
۷	شیرین‌سو	نیارک	طارم سفلی	قزوین	فاقد نام
۸	سیاهپوش	خندان	طارم سفلی	قزوین	خندان
۹	مرتضی‌نک	خندان	طارم سفلی	قزوین	خندان
۱۰	زرین‌آباد	ایلات قاقازان غربی	مرکزی	تاکستان	زرین‌آباد
۱۱	حمام‌دره	ایلات قاقازان غربی	مرکزی	تاکستان	زرین‌آباد
۱۲	گل‌زرد	ایلات قاقازان غربی	مرکزی	تاکستان	زرین‌آباد
۱۳	جیرزدان	رودبار شهرستان	رودبار شهرستان	قزوین	فاقد نام
۱۴	گشته‌رود	رودبار شهرستان	رودبار شهرستان	قزوین	فاقد نام

* تقسیم‌بندی اداری-سیاسی براساس مقطع زمانی سال ۱۳۶۹ انجام پذیرفته که استان فعلی قزوین هنوز از استان زنجان جدا نشده بود.

۱. آمار مربوط به روستاهای جابه‌جا و ادغام شده از منابع زیر تهیه شد، اما در جریان مشاهدات میدانی مورد جرح و تعدیل قرار گرفتند:
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹؛ - واحد فنی و برنامه‌ریزی بنیاد مسکن، ۱۳۷۰؛ و - طالب، ۱۳۷۲.

جدول ۲- روستاهای جابه‌جا شده و ادغام‌شده در مناطق زلزله‌زده استان گیلان

ردیف	نام روستا	دهستان	بخش	شهرستان	نام فعلی مجموعه‌ی ادغام‌شده
۱	پیشکلیجان بالا	پیرکوه	سیاهکل	لاهیجان	پیشکلیجان
۲	پیشکلیجان پایین	پیرکوه	سیاهکل	لاهیجان	پیشکلیجان
۳	زازل	شمام	املش	رودسر	ملکوت
۴	لله جار	شمام	املش	رودسر	ملکوت
۵	ملکوت	شمام	املش	رودسر	ملکوت
۶	دوسالده	خورگام	عمارلو	رودبار	فاقد نام*
۷	تیه	خورگام	عمارلو	رودبار	فاقد نام
۸	سرمل	خورگام	عمارلو	رودبار	چهارمحل
۹	سوسف	خورگام	عمارلو	رودبار	چهارمحل
۱۰	لیاول علیا	خورگام	عمارلو	رودبار	چهارمحل
۱۱	ماشمیان	خورگام	عمارلو	رودبار	چهارمحل
۱۲	جیرنده	جیرنده	عمارلو	رودبار	فاقد نام
۱۳	میانکوشک	جیرنده	عمارلو	رودبار	فاقد نام
۱۴	فیلده	رستم‌آباد جنوبی	مرکزی	رودبار	ادغام در شهر رودبار
۱۵	بیلاقی دوکاهه	رستم‌آباد جنوبی	مرکزی	رودبار	ادغام در شهر رودبار
۱۶	بیلاقی دارستانی	رستم‌آباد جنوبی	مرکزی	رودبار	ادغام در شهر رودبار
۱۷	لاکه	رستم‌آباد جنوبی	مرکزی	رودبار	ادغام در شهر رودبار
۱۸	کبته	رستم‌آباد جنوبی	مرکزی	رودبار	رستم‌آباد
۱۹	چربه	رستم‌آباد جنوبی	مرکزی	رودبار	رستم‌آباد
۲۰	شمام	رستم‌آباد جنوبی	مرکزی	رودبار	رستم‌آباد
۲۱	کلورز	رستم‌آباد جنوبی	مرکزی	رودبار	رستم‌آباد
۲۲	کوکر	رستم‌آباد جنوبی	مرکزی	رودبار	رستم‌آباد
۲۳	پشته	رستم‌آباد جنوبی	مرکزی	رودبار	رستم‌آباد
۲۴	سرشمام	رستم‌آباد جنوبی	مرکزی	رودبار	رستم‌آباد
۲۵	اسکلک	رستم‌آباد شمالی	مرکزی	رودبار	اسکلک
۲۶	تاریک‌رود	رستم‌آباد شمالی	مرکزی	رودبار	اسکلک
۲۷	فتلک	رحمت‌آباد	رحمت‌آباد	رودبار	دولت‌آباد

۲۸	فیشم	رحمت آباد	رحمت آباد	رودبار	دولت آباد
۲۹	کورتیم	رحمت آباد	رحمت آباد	رودبار	دولت آباد
۳۰	سلطان بری	رحمت آباد	رحمت آباد	رودبار	دولت آباد
۳۱	هرکیان	رستم آباد شمالی	مرکزی	رودبار	فاقد نام
۳۲	جورچشمه	رستم آباد شمالی	مرکزی	رودبار	فاقد نام

* اسامی سابق روستاها به صورت مجزا مورد استفاده اهالی هر یک از روستاهای ساکن در محل جدیدی قرار می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

پس از وقوع زلزله، سازمان‌ها و ارگان‌های مختلفی به منطقه زلزله‌زده هجوم آوردند که هر کدام با مقاصد و اهداف خیرخواهانه و برای کمک به بازسازی به منطقه عزیمت کرده بودند. فقدان مدیریت منسجم باعث اتخاذ برخی تصمیمات نادرست از جانب عده‌ای از مدیران و مسئولان سازمان‌های حاضر در منطقه در دو دوره ساماندهی (اسکان موقت) و بازسازی (اسکان دائم) گردید. از جمله این تصمیم‌گیری‌ها که از اهمیت و حساسیت بسیاری برخوردار بود جابه‌جایی و ادغام برخی از روستاها بود که در مواردی صرفاً به جهت سهولت در عملیات بازسازی از طرف ستادهای معین صورت پذیرفت. در مجموع، حدود ۱۷۰ روستا در معرض جابه‌جایی قرار گرفتند که از این میان ۴۶ روستا افزون بر جابه‌جایی با یکدیگر ادغام نیز شدند. جدول ۳ وضعیت زمانی جابه‌جایی و ادغام روستاهای ادغام‌شده را نشان می‌دهد.

جدول ۳- توزیع فراوانی روستاها براساس زمان ادغام

دوره جابه‌جایی و ادغام	اسکان موقت	اسکان دائم	جمع
تعداد	۲۱	۲۵	۴۶
درصد	۴۵/۷	۵۴/۳	۱۰۰،۰۰

همان‌گونه که ارقام جدول فوق نشان می‌دهند، حدود نیمی از روستاها در دوره اسکان موقت مورد جابه‌جایی و ادغام قرار گرفته‌اند. با توجه به عجله‌ای که در این دوره برای ساماندهی به اوضاع زلزله‌زدگان بر فعالیت ستادهای معین حاکم بود، می‌توان نتیجه گرفت که این اقدامات با مطالعه لازم انجام پذیرفته و در موارد متعدد باعث بروز مشکلاتی گردید که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد. در اکثر روستاها، علی‌رغم عدم دخالت مستقیم مردم، ستادهای معین از

مشورت و هم‌فکری اهالی، به‌ویژه اعضای شوراها و گروهی از جوانان روستایی که خواهان نزدیکی به شبکه‌های ارتباطی و برخورداری از امکاناتی مانند زمین بودند، بهره برد.

علت جابه‌جایی و ادغام

براساس گزارش عملکرد بازسازی مسکن مناطق زلزله‌زده بیش از ۸۰ درصد از روستاها جابه‌جا و ادغام شده بالای ۷۰ درصد تخریب شده بودند. از مهم‌ترین علل بالا بودن تخریب این گروه از روستاها در جریان زلزله می‌توان به بستر طبیعی محل استقرار، رانش زمین، ریزش کوه، فرسودگی واحدهای مسکونی و استفاده نامناسب از مصالح ساختمانی اشاره کرد.

جدول ۴- توزیع فراوانی روستاهای جابه‌جا و ادغام‌شده با توجه به علت جابه‌جایی و ادغام

جمع	تسهیل در امر بازسازی	استفاده از خدمات و تسهیلات بیشتر	ناپایداری محل استقرار روستا	علت جابه‌جایی و ادغام
۵۲ *	۱۰	۱۴	۲۸	تعداد
۱۰۰,۰۰۰	۱۹/۳	۲۶/۹	۵۳/۸	درصد

* از آنجا که در مواردی علت جابه‌جایی و ادغام بیش از یک علت است، جمع فراوانی‌ها بر تعداد روستاها فزونی یافته است. درصدها با توجه به جمع فراوانی مطلق علل جابه‌جایی و ادغام محاسبه شده است.

داده‌های به دست آمده از مناطق مورد مطالعه نشان می‌دهد که بیش از نیمی از روستاها به علت نامناسب بودن و ناپایداری محل استقرار روستا (لغزش و رانش زمین و ریزش کوه) در معرض جابه‌جایی قرار گرفته‌اند. پس از استفاده بیشتر از خدمات و برخورداری از امکانات عمومی انگیزه جابه‌جایی و ادغام روستاها با یکدیگر ذکر شده است. این انگیزه عمدتاً بر نوعی باورداشت همگانی مبتنی است: *در صورت برخورداری از جمعیت بیشتر، امکان جذب امکانات و تسهیلات افزایش پیدا می‌کند*. در برخی از روستاها، به‌ویژه در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، به دلیل مشکلاتی که در مورد حمل و نقل مصالح وجود داشت، مسئولان ستادها و در مواردی اهالی در نزدیک‌ترین نقطه ممکن محلی را برای اسکان مجدد در نظر گرفتند.

بستر طبیعی استقرار روستاهای ادغام شده

ناهمواری‌ها یکی از عامل‌های مؤثر در استقرار سکونتگاه‌های انسانی به شمار می‌آیند، به گونه‌ای که الگوی سکونت، بافت و ساخت واحدهای سکونتگاهی مستقیماً تحت تأثیر این عامل‌ها قرار می‌گیرد و تنوع در بستر طبیعی تنوع اشکال سکونتگاه‌ها را به همراه دارد.

جدول ۵- موقعیت استقرار روستاهای جابه‌جا و ادغام‌شده قبل و بعد از ادغام

موقعیت استقرار	قبل از جابه‌جایی و ادغام				بعد از جابه‌جایی و ادغام			
	کوهستانی	کوهپایه	دشت و کوهپایه	دشت	کوهستانی	کوهپایه	دشت و کوهپایه	دشت
تعداد	۳۷	۵	۲	۲	۱۱	۶	۱۳	۱۶
درصد	۸۰/۵	۱۰/۹	۴/۳	۴/۳	۲۳/۹	۱۳	۲۸/۳	۳۴/۸

بررسی نحوه استقرار سکونتگاه‌های روستایی قبل از وقوع زلزله نشان‌دهنده رابطه آشکار و مستقیم بین تعداد روستاهای جابه‌جا و ادغام شده و موقعیت استقرار آن‌ها است. اطلاعات جدول (۵) حاکی از این است که اکثر روستاهای جابه‌جا و ادغام شده در نقاط کوهستانی و کوهپایه‌ای قرار دارند. این قبیل روستاها عمدتاً از واحدهای متراکمی تشکیل شده‌اند که از آسیب‌پذیری زیادی برخوردارند و به دلیل وجود ناملايمات طبیعی در صورت آسیب‌دیدگی بازسازی آن‌ها با مشکلات فراوانی مواجه است. به همین دلیل بیش از ۸۰ درصد از روستاهای جابه‌جا و ادغام شده در این گروه قرار دارند. این گروه از روستاها افزون بر تأثیر خطرات زمین‌لرزه در معرض تهدید خطرات طبیعی و دیگر خطرات به‌ویژه لغزش و سایر حرکات دامنه‌ای قرار دارند که در جابه‌جایی بسیاری از روستاها تأثیر به‌سزایی داشته است. البته نباید این را از نظر دور داشت که مشکلات مربوط به بُعد مسافت و فقدان وسایل مناسب حمل و نقل و نیز دخالت عامل‌های تصمیم‌گیرنده جهت سهولت در امر بازسازی در این جابه‌جایی‌ها بی‌تأثیر نبوده‌اند. با حرکت به سوی مناطق هموار و دشتی به میزان قابل توجهی از تعداد روستاهای جابه‌جا شده کاسته می‌شود، به طوری که تعداد روستاها جابه‌جا شده در مناطق کوهپایه‌ای منتهی به دشت و مناطق دشتی به حدود ۷ درصد تقلیل می‌یابد. اما این وضعیت پس از جابه‌جایی کاملاً دگرگون شده است و از تعداد روستاهای کوهستانی کاسته و به تعداد روستاهای واقع در مناطق دشت و کوهپایه‌ای افزوده شده است.

تغییر محل استقرار روستاها و ادغام آن‌ها با یکدیگر از نظر فیزیکی باعث بروز تغییراتی در الگوی مسکن مثل کاهش سطح زیربنا، تغییر کاربری برخی ابعاد ساختمان، کاهش ارتفاع و نهایتاً تحول در بافت روستاها گردید. تغییرات مذکور دارای پیامدهای اجتماعی، اقتصادی متعددی بر جامعه آماری مورد مطالعه بوده است که در ادامه این مقاله به تفکیک میان دو جنبه اجتماعی و اقتصادی توضیح داده می‌شوند. هرچند این تفکیک تا حدودی دشوار می‌نماید و در بسیاری از موارد نوعی تداخل میان جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی وجود دارد.

الف - پیامدهای اجتماعی

جابه‌جایی و ادغام روستاها در مناطق زلزله‌زده رودبار و منجیل دارای پیامدهای اجتماعی مهمی بوده است که در این قسمت برخی از مهم‌ترین آن‌ها مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

۱- تغییر نظام همسایگی

براساس اطلاعات جمع‌آوری شده از روستاهای مورد مطالعه، در ۱۹ روستا (۴۱/۳ درصد) نظم همسایگی موجود در محل قدیم دستخوش تغییر شده است و بین محل زندگی خانوارهایی که در محل سابق با یکدیگر همسایه بوده‌اند جدایی به وجود آمده است. با توجه به نقش حائز اهمیت مجاورت مکانی و شکل‌گیری روابط اجتماعی در میان روستاییان، بی‌تردید برهم خوردن نظم حاکم بر آن می‌تواند آثار ناخوشایندی در برداشته باشد. اکثر ساکنان روستاهای جابه‌جا و ادغام شده ترجیح می‌دادند که در محل جدید نیز با همسایگان قبلی خود هم‌جوار باشند. فرهنگ حاکم بر جامعه روستایی ارزش والایی برای همسایگی و مناسبات آن قائل است. این ارزش‌ها در جامعه روستایی گیلان و زنجان به دلایلی مانند نیاز به کار جمعی و گروهی، فاصله اندک روستاها از یکدیگر، کوچک بودن محدوده فیزیکی روستاها و غیره، ارتباطات صمیمانه و نزدیکی میان همسایگان برقرار نموده است، به گونه‌ای که بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی با هم‌فکری و هم‌کاری با دیگران انجام می‌پذیرد. هرچند مناسبات همسایگی ممکن است همواره با مناسبات خویشاوندی همراه نباشد، اما در چهارچوب همین گروه‌های همسایگی است که تعاون و همکاری در سطح فعالیت‌های روزمره صورت می‌گیرد. مثلاً همسایگان به صورت مشترک مبادرت به ساخت یا تعمیر مسکن می‌کنند و در زمان برداشت برنج و ابریشم‌کشی یکدیگر را یاری می‌دهند. افزون بر این، در چنین جوامعی کوچک‌ترین تحول و دگرگونی در هر مورد در معرض آگاهی و اطلاع همسایگان قرار می‌گیرد و حتا نوعی نظارت و کنترل بر رفتار اعمال می‌گردد. مهم‌ترین عاملی که باعث برهم خوردن نظام همسایگی در روستاهای ادغام‌شده گردید تقسیم اراضی مسکونی روستا براساس قرعه‌کشی بود. اطلاعات به دست آمده حاکی از این است که نظام همسایگی در روستاهایی تغییر یافته است که انتخاب محل سکونت نه توسط مردم یا نمایندگان آن‌ها، بلکه از طریق قرعه‌کشی و توسط ستادهای معین انجام شده است.

۲- دگرگونی بُعد خانوار

جابه‌جایی و ادغام روستاها منجر به شکسته شدن ابعاد خانوار روستایی از شکل گسترده به هسته‌ای و کاهش بُعد خانوار از ۵/۳ به ۴/۹ گردیده است. این امر عمدتاً تحت تأثیر دو عامل

صورت پذیرفته است:

الف) در محل جدید برخی از روستاها محدودیت مکانی و کمبود سطح زیربنا برای احداث ساختمان وجود داشت، که گسترش خانواده و توسعه محل زیست خانواده‌های جابه‌جا و ادغام‌شده را با مانع مواجه نموده است.

ب) انگیزه اقتصادی برای دریافت زمین بیشتر که سبب شد در آغاز عملیات بازسازی دو یا چند خانوار که قبلاً با یکدیگر و به صورت یک خانواده گسترده زندگی می‌کردند برای دریافت امکانات بیشتر مانند وام و زمین به‌طور جداگانه به ستادهای معین مراجعه نموده و اقدام به تشکیل پرونده کنند.

به این ترتیب، ساختار سنتی خانواده‌ی روستایی در معرض دگرگونی و تجزیه قرار گرفت و انسجام و یکپارچگی قبلی خود را از دست داد. طبیعی است که در جریان این فراگرد ارکان اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی نیز دگرگون می‌شود. چراکه در جامعه روستایی خانه و خانواده صرفاً مکانی برای خوابیدن و استراحت کردن نیست، بلکه دارای کارکردهای متعدد و متنوعی هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی است.

۳- کاهش اقتدار رؤسای خانوار

یکی از ویژگی‌های مهم خانواده روستایی که متأثر از گسترده بودن آن است، برخورداری پدر یا رئیس خانوار از جایگاهی مقتدرانه در سلسله مراتب تصمیم‌گیری است. در جامعه روستایی گیلان و زنجان علی‌رغم مشارکت زنان در اکثر امور و انجام دادن فعالیت‌های بعضاً سنگین جسمی توسط آنان، در فراگرد تصمیم‌گیری اغلب مرد یا پدر حرف آخر را می‌زند. جابه‌جایی روستاها از طریق تجزیه خانواده‌های گسترده به هسته‌ای فرصتی را فراهم نموده است تا همراه با جدایی فیزیکی افراد جوان، اقتدار والدین بر جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی زندگی کاهش یافته و امکان استقلال بیشتر برای خانواده‌های هسته‌ای جدید مهیا گردد.

۴- دگرگونی نسبی الگوی مدیریت روستایی

به‌طور کلی، در روستاهای کشور دو گونه سازمان اجتماعی دیده می‌شود که مدیریت اجتماع روستایی را بر عهده دارند. این دو گونه شامل سازمان اجتماعی رسمی یا دولتی و سازمان اجتماعی غیررسمی است که به وسیله اهالی و معمولاً توسط ریش‌سفیدان و معتمدان محلی اداره می‌شود. بررسی آماری وضعیت مدیریت و سرپرستی روستاها در دوره قبل و بعد از جابه‌جایی و ادغام حاکی از تغییر وضعیت مذکور است.

جدول ۶- مدیریت روستاهای جابه‌جا و ادغام‌شده قبل و بعد از جابه‌جایی و ادغام

دوره زمانی		قبل از جابه‌جایی و ادغام		بعد از جابه‌جایی و ادغام	
وضعیت مدیریت روستا	تعداد	درصد	تعداد	درصد	درصد
شورای اسلامی	۲۱	۴۵/۶	۱۸	۳۹/۲	
ریش‌سفیدان و معتمدان محلی	۲۲	۴۷/۹	۱۱	۲۳/۹	
سازمان‌های رسمی دولتی*	۳	۶/۵	۲۲	۴۷/۹	
جمع	۴۶	۱۰۰/۰۰	۴۶	۱۰۰/۰۰	

* منظور از سازمان‌های رسمی دولتی، دهداری و بخشداری و سازمان‌های از این قبیل است.

براساس آمار مندرج در جدول (۶) قبل از جابه‌جایی و ادغام مدیریت روستاها عمدتاً در اختیار ریش‌سفیدان و معتمدان محلی قرار داشتند. وضعیت مذکور پس از وقوع زلزله و جابه‌جایی و ادغام روستاها به کلی دگرگون شد و مدیریت غیررسمی با کاهش قابل ملاحظه‌ای مواجه گردید و در مقابل آن مدیریت رسمی با افزایش چشمگیری روبرو شد. به این ترتیب، کاهش میزان اقتدار سنتی به مفهوم جامعه‌شناسانه، آن‌گونه که ماکس وبر مطرح کرده است، و انتقال مدیریت به سازمان‌های نیمه‌رسمی و رسمی از جمله نتایج جابه‌جایی و ادغام روستاها است. به عبارت دیگر، شاهد خروج اعمال قدرت از حیطه کنترل رهبران سنتی و قرار گرفتن آن در اختیار نظام بوروکراتیک و سازمان‌های اداری هستیم. بنابراین، عمل و کنش اجتماعی در محدوده معینی - روستاها جابه‌جا و ادغام‌شده - از حالت سنتی و عاطفی به سوی عقلانیت یا حالتی که می‌توان آن را ارزشی-عقلانی نامید در حال گذار است.

۵- دگرگونی روابط اجتماعی

بسیاری از جامعه‌شناسان، از جمله فردیناند تونیس، معتقدند به موازات رشد ابعاد جامعه ماهیت روابط اجتماعی موجود میان اعضای آن نیز تغییر می‌کند. تغییر مذکور به «الگوی توسعه طی» موسوم است. زیرا فرض بر این است که تغییر در یک بُعد، یعنی جمعیت، سبب تغییر در متغیر دیگر، یعنی احساس تعلق اجتماعی می‌گردد. براساس استدلال این نظریه‌پردازان عامل جمعیت نخستین متغیری است که بر الگوهای رفتار اجتماعی در هر جامعه تأثیر می‌گذارد (شیفر و لام^۱، ۱۹۹۲: ۵۵۷). تونیس با تمایز میان دو نوع گروه اجتماعی براساس عامل جمعیت

1. Schaefer & Lamm

به ویژگی‌های خاص هر یک اشاره می‌نماید. به تعبیر وی، اجتماع^۱ دارای افراد اندکی است که اکثر آنان یکدیگر را می‌شناسند، دارای روابط خویشاوندی و بسیار نزدیکی با هم هستند، در جهت منافع گروه حرکت می‌کنند و احساس تعلق خاطر نیرومندی به یکدیگر به عنوان یک کل واحد دارند. نقطه مقابل اجتماع جامعه^۲ است که دارای جمعیت بسیاری است که اغلب یکدیگر را نمی‌شناسند، روابطشان غیرشخصی و غالباً مبتنی بر نیازهای کارکردی است و حرکت در جهت منافع فردی است (رابرتسون^۳، ۱۹۷۷:۵۰۲).

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های روابط اجتماعی در سطح جامعه روستایی را می‌توان در روابط چهره به چهره^۴ ملاحظه نمود. این رابطه که منبعث از جمعیت اندک در این نوع جوامع است سبب تقویت روابط غیرشخصی و غیررسمی می‌گردد. ادغام چند روستا با یکدیگر در وهله نخست باعث افزایش جمعیت و گسترش دایره کنش متقابل اجتماعی^۵ می‌گردد. به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان افزایش جمعیت زمینه را برای تغییر در ابعاد کنش متقابل، ایجاد فاصله اجتماعی^۶، تغییر جهت و شکل روابط اجتماعی، و تنوع در ابزارهای ارتباط اجتماعی فراهم می‌سازد (هایمز^۷، ۱۹۶۸:۳۳۱). نتایج به دست آمده از مشاهدات میدانی در روستاهای ادغام‌شده به‌ویژه در شهر رستم‌آباد که از ادغام هفت روستای جابه‌جاشده و مهاجرت برخی از روستاییان اطراف آن شکل گرفته است حاکی از برخی تغییرات مورد اشاره است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- تغییر در ابعاد کنش متقابل: مشخص‌ترین تغییر در روابط اجتماعی کاهش فراوانی برخوردهای چهره به چهره است که از حالت مکرر و پیوسته در دوره زمانی قبل از جابه‌جایی و ادغام به روابط گاه به گاه، محدود یا اتفاقی در دوره بعد از آن تغییر یافته است.

۲- ایجاد فاصله اجتماعی: شواهد حاکی از این است که افزایش جمعیت سبب کاهش تدریجی روابط صمیمانه و غیررسمی و افزایش روابط محدود و رسمی شده است.

۳- تغییر در جهت روابط اجتماعی: جهت روابط اجتماعی در مناطقی که با افزایش جمعیت مواجه گردیده‌اند، از کنش‌های متقابل اجتماعی بین افراد دارای پایگاه‌های برابر با روابط افقی به سمت برخورد میان افراد با پایگاه‌های نابرابر که دارای روابط عمودی با یکدیگر هستند متمایل شده است.

1. Gemeinschaft

2. Gesellschaft

3. Rabertson

4. face to face

5. social interaction

6. social distance

7. Himes

۴- تغییر در شکل روابط اجتماعی: روستاهای ادغام‌شده قبل از جابه‌جایی و ادغام عمدتاً دارای روابط یگانه و منسجمی بوده‌اند و تعاون و همکاری در سطح تقریباً بالایی وجود داشته است. ادغام چند روستای جابه‌جاشده در مواردی سبب گردیده تا روابط پیشین بر رقابت، تضاد و بعضاً تخاصم مبتنی گردد. محل استقرار برخی از اماکن عمومی و مورد استفاده اهالی نظیر مسجد، حسینیه، حمام و غیره مشکلاتی را در مورد استفاده کلیه اهالی روستاهای ادغام‌شده به وجود آورده است. به عنوان مثال، در شهرک شهید مطهری در روستای آب‌بر واقع در طارم علیا در استان زنجان، که از جابه‌جایی و ادغام روستاهای بالکور، جمال‌آباد و بخشی از آب‌بر شکل گرفته است، به دلیل قرار گرفتن تنها مسجد شهرک در منطقه محل سکونت اهالی یکی از روستاها که در داخل شهرک به صورت متمایز اسکان یافته‌اند مشکلاتی از نظر محدودیت مکانی و نیز تفاوت در آداب و شعایر مربوط به برگزاری مراسم مذهبی به وجود آمده است و میان اهالی روستاهای مذکور از لحاظ اجتماعی تمایز ایجاد نموده است. در برخی موارد نیز تلاش برای تسلط و مالکیت بر بعضی از منابع مانند زمین و آب میان اهالی دو یا چند روستا اختلاف به وجود آورده است. برای مثال، در روستای چهارمحل واقع در بخش خورگام شهرستان رودبار پس از ادغام چهار روستا، هم در زمینه مالکیت زمین‌های محل جدید که متعلق به اهالی یکی از روستاها بوده و هم در زمینه استفاده از آب چشمه‌ای که سابق بر این تنها اهالی یکی از روستاها حق استفاده از آن را داشته، کشمکش‌هایی میان اهالی رخ داده که سبب دخالت مقامات رسمی گردیده است. البته گذشت زمان و برقراری و استمرار کنش‌های متقابل اجماعی میان اهالی و تثبیت روابط نیمه‌رسمی از شدت تعارضات کاسته و جای آن را نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز ولی متفاوت با گذشته گرفته است. همان‌گونه که بیان شد، چشم‌انداز آبی و امید به برخورداری از مزایای بیشتر و نیز وجود مشترکات قومی، زبانی و مذهبی از ریشه گرفتن اختلافات جلوگیری نموده است.

۵- کاهش انسجام اجتماعی: سازمان اجتماعی روستاها از نوعی همگنی و انسجام برخوردار است که عناصر تشکیل‌دهنده آن دارای یکپارچگی خاصی با یکدیگر می‌باشند. در جریان ادغام برخی روستاها به دلیل وجود برخی تمایزات از قبیل زبان، قومیت، نژاد و هویت، مکانی، مجموعه جدید در مواردی از سازمان اجتماعی ناهمگنی برخوردار شده است، به گونه‌ای که هرکدام از روستاها در عین ادغام با یکدیگر و تشکیل مجموعه‌ای به ظاهر واحد و جدید کماکان به صورت یک واحد اجتماعی مجزا عمل می‌کنند. به عنوان مثال، در مجموعه جدید رستم‌آباد که از جابه‌جایی و ادغام هفت روستا شکل گرفته است، علی‌رغم استفاده مشترک اهالی از مکان‌های عمومی نظیر مدرسه، بیمارستان، ورزشگاه، و غیره، به نظر می‌رسد اشتراک عمدتاً در

حد رسمی وجود دارد. به این معنا که اهالی روستاها به دلیل وجود علائق سنتی و تمایل به حفظ هویت و استقلال روستاهای خویش در محل جدید مکانی خاص و متمایز نیز به خود اختصاص داده‌اند و شهر را به محلاتی که با پیشوند بازار و نام قدیم روستا، مثلاً بازار شمام، شهرت یافته تقسیم کرده‌اند. بازارهای مذکور به نوعی حافظ هویت گذشته روستا و نشانگر استقلال فعلی آن‌ها است. به عبارت دیگر، علی‌رغم ادغام روستاها از نظر فیزیکی، به نظر می‌رسد ادغام اجتماعی و برقراری پیوندهای عاطفی میان اهالی روستاهای جابه‌جا و ادغام شده مدتی به طول خواهد انجامید.

۶- **دگرگونی ابزارهای کنترل اجتماعی:** در جوامع روستایی به دلیل مشخص بودن روابط و برخورداری افراد از پایگاه‌ها و ارزش‌های نسبتاً همگون و همسان کنترل و نظارت اجتماعی در قبال انحراف از هنجارها از طریق ابزارهای غیررسمی مانند شایعه و سایر محرک‌های شخصی صورت می‌گیرد. در واقع، فشار اجتماعی به صورت غیررسمی از هنجارهای جامعه حمایت و حفاظت می‌نماید. ادغام روستاها به‌ویژه در ابعاد گسترده با کاهش روابط چهره به چهره و افزایش امکانات و خدمات اجتماعی مانند فضای آموزشی بهتر و بیشتر، امکانات بهداشتی و درمانی که زمینه را برای ارتقای سطح آگاهی‌های افراد فراهم ساخته، سبب کاهش گستره و عمق ابزارهای کنترل اجتماعی گردیده و به آن شکل رسمی بخشیده است. فراگرد مذکور در نهایت با مستحیل نمودن ساخت اجتماعی روستا در قالب نظامی بوروکراتیک که سازمان‌های جدید مانند پاسگاه انتظامی، دهرداری و شهرداری در آن به ایفای نقش می‌پردازند، شکل رسمی و سازمان یافته پیدا می‌کند. بارزترین مثال در این مورد رستم‌آباد است که کاملاً تحت تسلط سازمان‌های رسمی قرار گرفته است.

۷- **برخورد خرده‌فرهنگ‌ها:** یکی از مهم‌ترین جلوه‌های اجتماعی ادغام روستاها برخورد سطوح مختلف و گاه متفاوت خرده‌فرهنگ‌ها یا یکدیگر است. روستاهای ادغام شده در مواردی دارای تفاوت‌های فرهنگی با یکدیگر هستند و این تفاوت‌ها پیامدهای خاصی را دربرداشته‌اند. به عنوان مثال، دو روستای بُن‌زهره و شیرین‌سواز توابع بخش طارم سفلی در شهرستان قزوین که پس از جابه‌جایی با یکدیگر ادغام شده‌اند، به دو قومیت متفاوت ترک و کرد تعلق دارند و هر یک دارای خرده‌فرهنگ‌های ویژه خود هستند. در یک روستا زبان کردی و در دیگری زبان آذری رایج است. به همین ترتیب، روستاهای دیگری که با یکدیگر ادغام شده‌اند در برخی موارد از نظر فرهنگی و اجتماعی دارای پاره‌های تفاوت‌ها با یکدیگر می‌باشند. ادغام روستاها سبب گردیده فرهنگ آن روستایی که از نظر فراوانی جمعیت و امکانات مختلف اقتصادی، اجتماعی بر روستا یا روستاهای دیگر برتری داشته در محل جدید نیز سایر فرهنگ‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد.

نمونه دیگر مربوط به دو روستای بالکور و جمال‌آباد در منطقه آب‌بر می‌شود. در این دو روستا نسل جدید گویش تاتی را که گویش رایج و سنتی بوده فراموش کرده و به زبان رایج در منطقه آب‌بر که زبان آذری است تکلم می‌نماید. افزون بر این، نظام ارزشی روستاهای کم‌جمعیت و منزوی پس از ادغام تحت تأثیر ارزش‌های حاکم بر روستایی قرار گرفته که از نظر برقراری ارتباطات اجتماعی و فرهنگی ابزار و توانایی بیشتری داشته است. این تغییرات بیش از همه در میان نسل جوان به چشم می‌خورد که الگوهای رفتاری جامعه سنتی خود را فراموش کرده‌اند و به درونی ساختن ارزش‌ها و الگوهای جدید دست یازیده‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده اشاره به از بین رفتن روح تعاون و همیاری و رواج برخی مفاسد اخلاقی در روستاهای ادغام‌شده دارند (عبدالملکیان، ۱۳۷۲: ۷۶).

ب - پیامدهای اقتصادی

ساختار اقتصادی روستاهای زلزله‌زده عمدتاً مبتنی بر کشاورزی (زراعت، دامداری و باغداری) بوده و بر نوعی اقتصاد خودمصرفی تکیه دارد. این ساختار دارای ویژگی‌های خاص بوده که در این قسمت با اشاره به پیامدهای اقتصادی جابه‌جایی و ادغام روستاها سعی در تشریح پاره‌ای از تغییرات ایجاد شده در ساختار مذکور دارد.

۱- دگرگونی ساختار شغلی: از جمع ۴۶ روستای جابه‌جا و ادغام‌شده مهم‌ترین منبع معیشت اهالی در دوره زمانی قبل از جابه‌جایی و ادغام به ترتیب عبارت بوده از: زراعت ۶۲/۱ درصد، باغداری ۱۷ درصد و دامداری ۱۱/۸ درصد، که این ترتیب پس از جابه‌جایی و ادغام از نظر کمی و کیفی دستخوش تغییرات اساسی شده است. پس از جابه‌جایی و ادغام زراعت با ۵۸/۲ درصد کماکان به عنوان مهم‌ترین منبع معیشت و اولویت نخست شغلی روستاها به‌شمار می‌آید، لیکن کارگری در خارج از روستا توانسته است با ۱۵/۸ درصد از لحاظ کمی پس از زراعت قرار گیرد. داده‌های میدانی حاکی از کاهش فراوانی روستاهایی دارد که باغداری و دامداری جزو منابع مهم معیشت آن‌ها بوده است. از طرف دیگر، برخی مشاغل خدماتی مانند کارمندی و دکانداری که قبل از وقوع زلزله در حد بسیار ناچیزی رواج داشته‌اند پس از جابه‌جایی و ادغام افزایش قابل توجهی یافته‌اند. در مجموع، فراگرد دگرگونی ساختار شغلی روستاهای جامعه آماری نشانگر گرایش به سوی مشاغل و فعالیت‌های خدماتی دارد.

۲- کاهش فعالیت‌های زراعی: با توجه به اینکه محل استقرار بیش از ۷۰ درصد از روستاهای جابه‌جایی و ادغام‌شده بخشی از زمین‌های زراعی آن‌ها بوده است. جابه‌جایی روستاهای مذکور سبب کاهش میزان زمین زیر کشت آن‌ها شده است. عامل دیگر که تأثیر به‌سزایی در کاهش

کمیت و کیفیت فعالیت‌های زراعی داشته است، ایجاد فاصله میان محل جدید استقرار روستاها با زمین‌های زراعی و باغات است. داده‌های میدانی نشانگر این است که در ۳۵/۸ درصد از روستاهای جامعه آماری جابه‌جایی سبب جدایی مجموعه‌های زیستی و زمین‌های زراعی به عنوان منبع اصلی معیشت گردیده است. بدیهی است که ایجاد فاصله میان زمین‌های زراعی و باغ‌ها، به‌ویژه در مورد باغ‌های زیتون، با کانون‌های زیستی و سکونت‌گاهی تأثیر منفی و نامطلوبی بر میزان نظارت بر آن‌ها گذاشته است. به عنوان مثال، اهالی روستای سیاهپوش که پس از جابه‌جایی با روستای مرتضی‌نک ادغام شده است در محل جدید - خندان - به دلیل ایجاد فاصله با باغ‌های زیتون امکان ادامه فعالیت‌های باغداری خود را به شکل سابق از دست داده‌اند و همین امر سبب بیکاری و کاهش درآمد روستاییان گردیده است. مجموعه جدید شهری رستم‌آباد نیز وضعیتی مشابه دارد؛ افزون بر اینکه محل جدید نیز جزو اراضی زراعی بوده است.

۳- **فروپاشی اقتصاد دامی:** دام سرمایه جدایی‌ناپذیر زندگی روستاییان مناطق زلزله‌زده رودبار و منجیل محسوب می‌گردد. براساس اطلاعات گردآوری شده قبل از وقوع زلزله و جابه‌جایی روستاها فعالیت‌های دامی در ۸۸/۹ درصد روستاهای جابه‌جا شده به نوعی جزو اولویت‌های عمده معیشتی اهالی روستاها قرار داشته است. فعالیت‌های مذکور پس از جابه‌جایی با ۳۳/۳ درصد کاهش به ۵۵/۶ درصد رسیده است که این تنها ظاهر قضیه است، زیرا کیفیت فعالیت‌های موجود به هیچ وجه با دوره قبل از وقوع زلزله قابل مقایسه نمی‌باشد. براساس نتایج پژوهشی که در مورد خسارت‌های اقتصادی زلزله انجام یافته است تخریب ۱۰۰ درصد اصطبل‌ها و طویله‌های دام که از خشت و گل ساخته شده بودند و فقدان مکانی مناسب برای نگهداری دام در فصول سرما سبب ایجاد عدم اطمینان نسبت به آینده دامداری (به علت فقدان اصطبل و آغل، نبود آبشخور، عدم امکان ذخیره علوفه و شیوع بیماری‌های دامی) و فروش اضطراری دام‌ها توسط دامداران گردید (علیزاده، ۱۳۷۳: ۳۰).

عامل حایز اهمیت دیگری که بر فعالیت‌های دامی تأثیر نامطلوب گذاشت دگرگونی الگوی مسکن در روستاهای جابه‌جا شده بود. وضعیت مسکن در روستاهای گیلان و زنجان تحت تأثیر شرایط اقلیمی و ساختار معیشتی اهالی است. با توجه به اهمیت پرورش دام در اقتصاد روستاییان منطقه و نیز شرایط نگهداری آن که با استفاده از شیوه‌های سنتی انجام می‌پذیرد، سبک و الگوی احداث واحدهای مسکونی به گونه‌ای است که حداقل یک سوم فضای واحد مسکونی برای نگهداری دام و علوفه در نظر گرفته می‌شود. در محل جدید استقرار روستاهای جابه‌جاشده به دلیل محدودیت‌های فیزیکی الگوی احداث مسکن دگرگون شده و فضای

مناسب برای نگهداری دام وجود ندارد. بر اساس آمارهای موجود، موانع ذکر شده در بیش از ۶۰ درصد از روستاها مشکلاتی را در مورد ادامه فعالیت‌های دامی ایجاد نموده است. برخی از اهالی کماکان از واحدهای مسکونی واقع در محل قدیم روستاها به عنوان محل نگهداری دام و یا انبار علوفه استفاده می‌نمایند و به تعبیری در یک وضعیت دو مکانه^۱ به سر می‌برند.

جابه‌جایی روستاها و تغییر الگوی سنتی مسکن روستایی در این قبیل روستاها در برخی موارد از نظر زیست‌محیطی نیز مشکلاتی را به وجود آورده است. عده‌ای از دامداران به دلیل فقدان مکان مناسب برای نگهداری دام به ناچار دام‌های خویش را در محلات، مزارع یا کشتزارها رها می‌نمایند که این اقدام افزون بر آسیب رساندن به محصولات کشاورزی سبب ایجاد آلودگی در محیط زیست نیز گردیده است.

متأسفانه در جریان جابه‌جایی روستاها برنامه‌ریزی مشخص و دقیقی در مورد فعالیت‌های دامی اهالی صورت نپذیرفت و حتا در مواردی از جانب برخی مسئولان تمهیداتی در زمینه فروش دام فراهم گردید که موجب رواج نوعی بدبینی در قبال آینده فعالیت‌های دامی گردید و فراگرد فروپاشی آن را تشدید نمود. تشویق و الزام روستاییان به فروش دام‌هایشان از دو جنبه اقتصادی و اجتماعی پیامدهای منفی در برداشته است؛ نخست این که، از نظر اقتصادی اقدام مذکور با توجه به فروش ارزان دام سبب وارد شدن خسارت مادی به دامداران گردید و اقتصاد معیشتی آنان را که تا حد بسیار زیادی بر دام تکیه داشت دستخوش فروپاشی و تزلزل نمود. با توجه به در پیش بودن بازسازی و آغاز بازپرداخت وام، جبران مافات برای دامداران تقریباً حالتی ناممکن به خود گرفت. از طرف دیگر، زنان خانوارهای دامدار که سابق بر آن به واسطه‌ی وجود دام به فعالیت‌های پررونقی مانند تهیه مواد لبنی، پشم‌ریسی و غیره اشتغال داشتند و از این طریق اقتصاد خانوار را پشتیبانی می‌نمودند، پس از جابه‌جایی به دلیل فروش دام عملاً بیکار شدند. این دگرگونی در ساختار فعالیت‌های اقتصادی خانوارهای مذکور تأثیر منفی گذاشته و سبب افزایش هزینه‌های زندگی آنان از یک سو و کاهش میزان درآمد آنان از دیگر سو شده است.

۴- کاهش درآمد و مصرف‌زدگی خانوارهای روستایی: خانواده در جامعه روستایی ایران افزون بر این که محل انس و الفت، زناشویی، کانون پرورش کودکان و مرکز انتقال بسیاری از میراث‌های فرهنگی، ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی و عادت‌ها و رسوم و سنت‌های فرهنگ روستایی است، یک واحد اقتصادی نیز به‌شمار می‌رود که بخش عمده‌ای از نیازمندی‌های اساسی زندگی خانواده را از طریق تولید تأمین می‌کند. در واقع، گروه کار و گروه خانوادگی درهم ادغام شده و

1. bilocal

اجتماع متشکل و به هم پیوسته‌ای را به وجود می‌آورند که اعضای آن به منظور تأمین معاش خانواده فعالیت اقتصادی مشترکی دارند و همگی در ادامه حیات خانواده سهیم‌اند (نیک‌خلق، ۱۳۵۸: ۸۷). از مهم‌ترین ویژگی‌های خانواده‌های روستایی شمال کشور ایفای کارکرد واحد بهره‌برداری است. در جریان وقوع زلزله و جابه‌جایی و ادغام روستاها، کارکردهای اقتصادی خانواده نیز متأثر از تغییرات فیزیکی دستخوش تحول و دگرگونی گردید. فقدان فعالیت‌های کشاورزی، از دست دادن دام و به تبع آن کاهش فعالیت‌های دامداری و دامپروری سبب تضعیف بنیان‌های اقتصادی خانوارهای روستایی گردید، کارفرمایان مستقل خانگی را به خانوارهای مصرف‌کننده تبدیل کرد و استقلال و خودبسندگی اقتصادی آنان را با تزلزل مواجه ساخت. فراگرد مذکور سبب بیکاری بخش عمده‌ای از جمعیت فعال روستاها و وابستگی آنان به منابع مصرفی خارج از روستا شده است.

۵- مقروض شدن به سیستم بانکی: ستادهای معین بازسازی مناطق زلزله‌زده در جریان بازسازی مبادرت به تشکیل پرونده برای خانوارهای آسیب‌دیده می‌نمودند و با معرفی مرحله‌ای آنان به بانک وام بازسازی را در اختیارشان قرار می‌دادند. صرف نظر از نقاط ضعف و قوتی که در این برنامه‌ریزی وجود داشت، در اینجا تنها به پیامدی که اجرای برنامه مذکور در روستاهای جابه‌جا شده داشت پرداخته می‌شود.

از بین رفتن منابع عمده معیشت اهالی در جریان وقوع زلزله و پس از آن در جریان جابه‌جایی روستاها و نیز مقروض شدن روستاییان به سیستم بانکی بابت وام‌های دریافت‌شده برای احداث و بازسازی مسکن آسیب‌های شدیدی بر پیکر اقتصاد تضعیف‌شده روستایی وارد کرد و از لحاظ روحی و روانی نیز مشکلات و دشواری‌هایی را برای اهالی فراهم نمود. برخی از خانوارها به دلیل هراس از ناتوانی در بازپرداخت وام از دریافت آن خودداری کردند و برخی دیگر نیز که مبادرت به دریافت وام مذکور نمودند به دلیل کاهش درآمد و تحلیل توان اقتصادی در مدت تعیین شده قادر به بازپرداخت وام خود نشدند. در برخی موارد روستاییان وام دریافتی را به مصارف دیگری که بنا به تشخیص خود ضروری می‌دانستند رسانده و به همین دلیل در بعضی روستاها واحدهای مسکونی احداث نشده و یا تکمیل نشده تا مدتی بعد از اتمام دوره بازسازی به چشم می‌خورد.

۶- گسترش و تمرکز خدمات: از جمله پیامدهای مهم جابه‌جایی و ادغام روستاها گسترش بخش خدمات در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی به‌ویژه کشاورزی است. تجزیه و تحلیل ساختار اقتصادی روستاهای جابه‌جاشده تأثیر عامل‌های زیر را در شکل‌گیری فراگرد مذکور نشان می‌دهد.

۱-۶- دگرگونی باورداشت‌ها، انتظارات، ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها و رفتار نسل جدید که تا حدودی تحت تأثیر افزایش امکانات آموزشی و خدماتی و ایجاد ارتباط با نقاط شهری دور و نزدیک صورت پذیرفته سبب کاهش علاقه‌نسل مذکور به ادامه‌ی فعالیت‌های سنتی رایج در روستا، یعنی زراعت و دامداری، شده و آنان را به سوی انجام دادن فعالیت‌های خدماتی که اعتبار و درآمد بیشتر دارد جذب نموده است. موانع و مشکلات متعددی که در زمینه‌ی ادامه‌ی فعالیت‌های زراعی و دامی پس از جابه‌جایی و ادغام به وجود آمد سبب تشدید روند مذکور گردید.

۲-۶- جابه‌جایی و ادغام جمعیت علاوه بر تمرکز جمعیت به دنبال خود تمرکز خدمات را به همراه داشته است، لیکن این تمرکز با توزیع متناسبی همراه نبوده است. به عنوان مثال، گسترش سریع و قابل توجه مجموعه‌ی شهری رستم‌آباد و افزایش جمعیت آن باعث تمرکز خدمات در این شهر جدید و شدت یافتن توزیع نامتناسب جمعیت و خدمات در منطقه گردیده است. این امر سبب مهاجرت روستاییان مناطق اطراف و افزایش هزینه‌های زندگی در این مجموعه شده است. جابه‌جایی روستاها در برخی موارد تأثیرات مثبتی را از نظر خدماتی در پی داشته است. این تأثیرات در دو مورد چشمگیرتر بوده است: نخست، اضافه شدن امکانات خدماتی و تأسیسات عمومی مانند برق، حمام، خانه‌ی بهداشت، مخابرات و مکان‌های آموزشی و غیره؛ و دوم، نوسازی امکانات خدماتی قدیمی مانند تبدیل حمام‌های خزینه‌ای به گرمابه‌های جدید و مدرن و رعایت نکات بهداشتی در احداث آغل و مکان‌های نگهداری و پرورش دام.

جدول ۷- توزیع امکانات و تأسیسات زیربنایی در روستاهای جابه‌جا و ادغام‌شده

نوع امکانات و تأسیسات	قبل از جابه‌جایی و ادغام		بعد از جابه‌جایی و ادغام	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آب لوله‌کشی	۳۹	۸۴/۸	۴۶	۱۰۰
برق	۱۱	۲۳/۹	۴۰	۸۷
حمام	۲۱	۴۵/۷	۴۲	۹۱/۳
خانه‌ی بهداشت	۹	۱۹/۶	۲۴	۵۲/۲
مرکز بهداشت	۵	۱۰/۹	۲۰	۴۳/۵
مخابرات	۲	۴/۳	۲۸	۶۰/۹
جاده‌ی آسفالت	۸	۱۷/۴	۲۵	۵۴/۳
فضای آموزشی	۳۱	۶۷/۳	۴۶	۱۰۰

داده‌های جدول (۷) حاکی از افزایش قابل توجه کمیّت تأسیسات زیربنایی و امکانات خدماتی در روستاهای جابه‌جا و ادغام شده است. در این میان، میزان برخورداری از برق، مخابرات، حمام و جاده آسفالت به ترتیب ۶۳/۱، ۵۶/۶، ۴۵/۶ و ۳۶/۹ درصد افزایش یافته است. اطلاعات جدول به نوعی تأییدکننده این طرز تلقی روستاییان است که افزایش جمعیت سبب افزایش میزان دسترسی به امکانات و تأسیسات زیربنایی عمومی می‌گردد.

به‌طور کلی، می‌توان ادعان نمود که تغییرات مذکور و اضافه شدن برخی امکانات و تأسیسات خدماتی و عمومی زمینه را برای تغییرات اقتصادی و اجتماعی در روستاهای جابه‌جا شده فراهم ساخته است. به نظر می‌رسد اکثر روستاهای مورد مطالعه در این پژوهش قبل از جابه‌جایی در زمره روستاهای نسبتاً محروم بوده‌اند و بخش عمده‌ای از این روستاها فاقد امکانات رفاهی و خدمات عمومی بوده و به دلیل محدودیت مشاغل تقسیم کار نسبتاً ساده‌ای داشته‌اند که پس از جابه‌جایی دستخوش تغییر شده است.

سخن پایانی

جابه‌جایی و ادغام روستاها در مناطق زلزله‌زده رودبار و منجیل به نوعی نشانگر عدم ارتباط مناسب میان بازسازی این مناطق با توسعه ملی و منطقه‌ای است. عملکرد مسئولان بازسازی مناطق زلزله‌زده حاکی از توجه بیش از اندازه به جنبه‌های فیزیکی و در نظر نگرفتن جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی زندگی روستاییان بوده است. این امر تا حدی به دلیل فشار عاطفی جامعه برای بازگرداندن وضعیت به حالت عادی بوده است. اما، همان‌گونه که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، نمی‌توان فارغ از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، به حیات زیستی به منزله مقوله‌ای صرفاً فیزیکی توجه کرد. در اکثر روستاها، صرف‌نظر از جابه‌جایی فیزیکی شاهد تحولاتی در جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی هستیم. هرکدام از پیامدهایی که در این مقاله به آن‌ها اشاره شده دارای وزنی متفاوت با یکدیگر هستند و نمی‌توان از نظر آماری و حتا کیفی به مقایسه آن‌ها با یکدیگر پرداخت. افزون بر این، برخی پیامدها خود تابع و حاصل پیامد دیگر هستند؛ مانند کاهش فعالیت‌های زراعی که متأثر از کاهش اراضی زراعی و ایجاد فاصله میان محل معیشت و اراضی زراعی و باغات بود، و برخی نیز پیامد کلی زلزله به حساب می‌آیند.

جابه‌جایی و ادغام یا تجمیع چند روستا در صورت همراه بودن با برخی ویژگی‌های مناسب زیست‌محیطی از قبیل ظرفیت مکانی و فضایی مناسب، وجود زمینه‌هایی برای اشتغال جمعیت فعال، عدم وجود تضادهای اجتماعی ناشی از قومیت، مذهب و غیره می‌تواند زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و اجتماعی در مناطق روستایی گردد. در پایان این مقاله با فرض

پذیرش جابه‌جایی و ادغام روستاها، با توجه به یافته‌های این پژوهش و در چهارچوب استراتژی معطوف به توسعه، پیشنهادهایی برای کاهش و به حداقل رساندن هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن ارائه می‌گردد.

۱- پس از محرز شدن جابه‌جایی و ادغام، باید برنامه‌ریزی به گونه‌ای هدایت شود که از حداکثر میزان مشارکت فکری و عملی مردم جامعه مورد نظر استفاده شود. موفقیت جابه‌جایی و ادغام روستاها مستلزم انتقال به موقع مسئولیت از کارگزاران به روستاییان است. در این زمینه لازم است روستاییان و رهبران محلی را تشویق به پذیرش مسئولیت مدیریت روستا نمود، چرا که در غیر این صورت احتمال شکل‌گیری یک رابطه یک‌سویه و مبتنی بر وابستگی وجود دارد.

۲- باتوجه به نقش حایز اهمیت نظام همسایگی در ساختار روابط اجتماعی روستاییان، کیفیت استقرار اهالی روستاهای جابه‌جاشده در محل جدید باید به گونه‌ای باشد که کمترین تغییرات را در نظام مذکور به دنبال داشته باشد.

۳- در صورت ضرورت، تجمیع و ادغام چند روستا با یکدیگر، افزون بر توجه به مسائل اقتصادی، ضرورت در نظر گرفتن مشترکات قومی، نژادی، مذهبی، خویشاوندی و روابط اجتماعی روستاها از اهمیت بسیار برخوردار است.

۴- باتوجه به احتمال بروز اختلال و نابسامانی در منابع عمده معیشت روستاهای مشمول ادغام، لازم است منابع معیشتی مناسب به عنوان جایگزین در نظر گرفته شود و به نزدیکی محل جدید و سهولت ارتباط با مراکز اقتصادی و بازار کار و خدمات توجه کافی مبذول گردد.

۵- تجربه جابه‌جایی روستاها در مناطق زلزله‌زده رودبار و منجیل نشانگر عدم ارتباط میان دو دوره ساماندهی (اسکان موقت) و بازسازی (اسکان دائم) است. این امر سبب پیدایش مشکلاتی در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی عملیات گردید و در مواردی نیز اقدامات و فعالیت‌های انجام شده را خنثی نمود. برای اجرای بهتر طرح‌های جابه‌جایی و ادغام روستاها پیشنهاد می‌شود بین عوامل مختلف تصمیم‌گیرنده و سازمان‌های ذیربط مانند بنیاد مسکن، وزارت کشور، وزارت جهاد کشاورزی و استانداری‌ها هماهنگی‌های لازم به عمل آید.

۶- به نظر می‌رسد اکثر طرح‌های انجام‌شده در مورد جابه‌جایی و ادغام بدون نظارت و کنترل دقیق به اجرا درآمده‌اند. دست‌اندرکاران اجرای چنین طرح‌هایی باید در خلال انجام دادن طرح، ضمن نظارت دقیق و مستمر به ارزیابی اجرای طرح نیز پردازند. این عمل سبب می‌شود هم عوامل اجرایی از نقاط ضعف طرح آگاه شوند و هم ساکنین روستاهای جابه‌جا شده فرصت شناسایی نیازهای خود و واکنش به عوامل مذکور را پیدا نمایند. به این ترتیب، امکان یافتن راه‌حلی برای رفع نقاط ضعف احتمالی و پیشبرد بهتر کار فراهم می‌گردد.

۷- برنامه‌ریزی برای استقرار و اسکان دائم جمعیت در نقاط آسیب‌دیده مستلزم گردآوری اطلاعات و آمارهای لازم است. توانمندی منطقه از نظر اقتصادی، زراعت، دامداری و دامپروری، عوامل اجتماعی، امکانات مربوط به تهیه مصالح و مواد ساختمانی، گد ساختمان‌سازی و نظارت مستمر بر تکمیل ساختمان، مقاوم کردن آن در برابر زلزله‌خیزی منطقه از مواردی است که سرمایه‌گذاری‌ها را در امر توسعه به سوی بازدهی مطلوب و پیش‌بینی شده سوق می‌دهد. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود در هنگام جابه‌جایی و ادغام روستاها اجرای طرح در درون طرح‌های توسعه منطقه‌ای و ملی مورد نظر قرار گیرد. این رهیافت امکان توجه به جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و نیز جنبه‌های زیست‌محیطی جابه‌جایی‌های جمعیت را میسر می‌سازد. بنابراین، در اجرای چنین طرح‌هایی باید از کارشناسان مسائل توسعه روستایی، به‌ویژه متخصصان کشاورزی و علوم اجتماعی، نیز استفاده شود.

جابه‌جایی مکانی جمعیت پدیده‌ای صرفاً فیزیکی نیست. ماهیت سازمان اقتصادی و اجتماعی به‌ویژه در محیط‌های روستایی با محیط طبیعی کنش دوسویه دارد و افزون بر تأثیر فراوانی که از طبیعت می‌پذیرد، تلاش در جهت کنترل آن نیز دارد. با در نظر گرفتن ارتباط نزدیک جوامع روستایی با محیط طبیعی و این موضوع که بخش عمده‌ای از روستاها با تأثیر از عامل‌های طبیعی از قبیل رودخانه‌ها، چشمه‌ها، کوهساران و دیگر عامل‌هایی از این دست شکل یافته‌اند، جابه‌جایی مکانی و انتقال آنان به مکان دیگر بی‌گمان باعث شکل‌گیری گسست‌هایی در پیوندهای اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و حتا عاطفی آنان با طبیعت گردیده و مسائلی را درباره سازگاری مردمان با محیط جدید مطرح می‌سازد. بررسی این مسائل به‌ویژه پرداختن به جنبه‌های اجتماعی آن‌ها می‌تواند در آینده بسیاری از ابهامات را که در مورد جابه‌جایی و ادغام جمعیت‌های روستایی وجود دارد روشن ساخته و هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی آنان را به حداقل کاهش دهد.

در مجموع، می‌توان اذعان نمود که جابه‌جایی و ادغام روستاها در موارد متعدد تأثیرات مثبت و منفی بر کارکردهای حیات اجتماعی و اقتصادی روستاها گذاشته است. اما، همان‌گونه که پالچ^۱ می‌گوید (۱۳:۱۹۸۳)، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه روستایی باید به این نکته توجه داشته باشند که مسائل و موضوعات روستایی نیاز به تعریف در بستر خود دارند و ابزارهایی که در جهت حل مشکلات روستاییان انتخاب می‌گردد باید از دید آن‌ها مناسب تشخیص داده شوند.

1. Paulj

منابع

- آریایی، علی‌اصغر (۱۳۷۲) «بررسی اجمالی ارزیابی سرزمین جهت مکان‌گزینی در مناطق آسیب‌دیده از زمین‌لرزه ۳۱ خرداد ۱۳۶۹»، دانشگاه مشهد.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰) «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی»، انتشارات اطلاعات.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۶۹) «طرح طبقه‌بندی روستاهای زلزله‌زده گیلان و زنجان».
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۷۰) «گزارش عملکرد بازسازی مسکن مناطق زلزله‌زده» دفتر فنی و برنامه‌ریزی.
- دوسوزا، فرانسیس و دیگران (۱۳۶۸) «سوانح، پیشگیری و امداد»، مرکز تحقیقات و مسکن.
- رحمتی، محمدمهدی (۱۳۷۴) «پیامدهای اجتماعی و اقتصادی جابه‌جایی و ادغام روستاها در مناطق زلزله‌زده رودبار و منجیل». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۶) «خط‌مشی‌های سیاسی خطوط‌کلی و هدف‌های برنامه‌ی عمرانی ششم»، معاونت برنامه‌ریزی.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۷۳) «جامعه‌شناسی فاجعه: تجربه زلزله رودبار و منجیل»، مجله مسکن انقلاب، شماره ۵۶.
- شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۱) «ادغام روستاها: یک اشتباه بزرگ»، مرکز مطالعات و مدارک علمی کشاورزی.
- شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۲) «تجمع یا ادغام روستاها»، مجله سنبله، شماره ۵۷.
- طالب، مهدی (۱۳۷۲) «مشارکت روستاییان در بازسازی مناطق زلزله‌زده»، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی
- عبدالملکیان، محمدرضا (۱۳۷۲) «اثرات اقتصادی و اجتماعی ادغام چهار روستای سرمل، سوسف، ماشمیان و لیاول علیا از شهرستان رودبار»، مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی.
- علیزاده، محمد (۱۳۷۳) «خسارات اقتصادی زلزله‌ی سال ۱۳۶۹ شمال ایران»، مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی.
- مشیری، فرخ (۱۳۷۰) «ضوابط مکان‌یابی و طراحی»، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان خوزستان.
- میسرا، ر. پ (۱۳۵۳) «چهار چوب مکانی برنامه‌ریزی درازمدت چند سطحی مرکز آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران - با توجه خاص به استان فارس»، سازمان برنامه و بودجه.
- نراقی، احسان (۱۳۵۶) طمع خام، انتشارات طوسی، تهران.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۵۸) «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی ایران»، پژوهشکده‌ی علوم ارتباطی و توسعه‌ی ایران.

وزارت جهات سازندگی (۱۳۶۸) «نگاهی به برنامه‌های توسعه روستایی در کشور تایلند» معاونت عمران اداره کل بهسازی و مسکن.

Himes, J.S. and Moore, W.E. (1968) *Study of Sociology*, Atlanta, Scott Foresman.

Pauli, Clock (1983) *An Introduction to Rural Settlement Planning*, Methuen & Co. Ltd.

Robertson, Ian (1977) *Sociology*, Worth Publisher, Inc.

Schaefer, Richard T. & Lamm, Robert P. (1992) *Sociology* McGraw-Hill, Inc.

The World Bank (1990) *Operational Directive: Invulantry Resttlemet*.